

از مهدی طارمی

پیکارهای مقدس

مقاله زیر قسمتی مختصر از کتاب
«ره آوردهای استعمار» است
که بخواست خدا در آینده نزدیکی
بچاپ خواهد رسید
نویسنده

«جنبش آزادگان»

«مردان نهضت‌ها و ...»

«رزمندگان آسمانی»

«نبردی خونین در قلعه تاریخ»

* * *

همانطوریکه استعمار و استثمار توده‌های ضعیف و ناتوان از طرف صاحبان قدرت همزمان با تاریخ پیدایش انسان شروع میشود و غیره استعمار، طبیعی و ذاتی انسان است؛ همچنین پیدایش مبارزات و قیام‌های ملی علیه همین استثمارها برابر با تاریخ ظهور استعمار میباشد.

تاریخ بشر نشان میدهد که در دورانهای حیات بشری زور گویایی پیدا شده‌اند که برای دوشیدن ملتها و بهره‌برداری از حقوق طبقات ناتوان دامهائی نهاده و تمامتی از منافع آنان شکمچرانی کرده‌اند.

استعمارگران با شرکت دادن اقلیت‌های متملق و بی‌شخصیت درینما گری-ها و غارت‌های خود، بر جان و مال توده‌های رنجبر و زجر دیده مسلط گردیده و بدست آنان بهر گونه ظلم و جنایتی دست می‌بازند.

راستی اگر این اطرافیان بی شخصیت و چاپلوس نبودند ، غارتگران صاحب قدرت بقیه‌های بی‌چاره می‌توانستند بکنند ؟

زیرا آنان علاوه بر اینکه درصدد پر کردن کیسه‌ها و در زنجیر کشیدن ملت‌ها هستند ، در عین حال می‌خواهند که از هر گونه گزند و آسیبی محفوظ مانده و با خیال آسوده در کاخ‌های خونپایه خود کامیاب باشند .

و روی همین اصل گروهی بی اراده و بی رشد را استخدام کرده و آنان را رهسپار میدان می‌کنند ، تا اگر این نوکران پروزمندانه از میدان بازگشتند غنیمت‌را با ارباب تقسیم کنند ، و الا اگر شکستی یا آسیبی وارد آید ؛ جان عزیز ارباب مصون مانده و هر گونه ضرر روزیانی مستقیماً متوجه نوکران باشد .

جنبش آزادستان

در اینگونه زمانها که آدمک‌هایی بر مسندهای خون آلود تکیه زده‌وی- رحمانه خون انسان‌ها را می‌مکند ، پیشانی شوکت و هیمنه موهوم اینان با جنبش يك آزاد در شید چین برداشته و پایه‌های پوشالی کاخ‌هایشان بلرزه می‌افتد و با تمام قوا می‌کوشند در اولین فرصت دهان این جنبندگان را با مشتهای گره کرده دژخیمان دستگاه خویش درهم شکسته و آنان را با سخت‌ترین مجازات بدیاریستی و فراموشی گسیل دارند .

ولی آیا راستی استعمارچیان می‌توانند اینگونه فریاد های مقدس و انسانی را خفه کرده و صاحبان آنرا فراموش گردانند ؟ تاریخ می‌گوید : نه !

* * *

همانطور که گاهی سنگ ریزه در میان گودال آب آرام و ساکتی می‌افتد ، حلقه کوچکی از موج در نقطه سقوط پیدا می‌شود ولی کم‌کم این موج با اطراف سرایت کرده و در مدت کوتاهی سرتاسر روی آب را که سابقاً آرام بوده ، فرا می‌گیرد ، و دایره‌های این امواج تا بساحل آب نرسد ، آب آرامش خود را دوباره باز نمی‌یابد .

سنگ ریزه با اینکه خود در میان آب غوطه‌ور شد و آب او را بکام خویش فروبرد ، ولی نتوانست از امواج باقی مانده از سقوط سنگ جلوگیری کند .

جنبش آزادگان و قیام‌آزادیه و اهانه آنان نیز با از بین رفتنشان ، ناپود

نمیگردد ، و حلقه‌های امواج قیام آنان که در افکار توده‌های اجتماع پدیدار شده ، تا بساحل آزادی و از بین رفتن ستمگران نرسد ، با هیچگونه مقاومت و جلوگیری آرام نمی‌گیرد .

* * *

مردان نهضتها و ..

استعمارگران برای بهره برداری کامل از دسترنج دیگران و دستبرد به حقوق اولیه آنان قبلا توده‌های اجتماع را سرگرم بمشکله‌های شخصی ، اقتصادی و .. کرده و آنانرا فرصت اندیشیدن و فکر کردن در گرفتن حقوق خود نمی‌دهند ؛ و همانند دزدیکه شبانه پس از خوابیدن اهل خانه بسراغ اشیاء ارزنده می‌رود ، اینان پس از ب خواب کردن ملتها و اجتماعات بسراغ ذخائر و اموال و خسته‌های آنان می‌روند تا با خیال آسوده بیفماگری و چپاول خود بدون اینکه صاحبان کالا کوچکترین خبری پیدا کنند بپردازند .

ولی این نقشه و این وضع تا مدتی معین نباشد و بالاخره آزمندی و طمعکاری بی اندازه این دزدان باشخصیت آنانرا از نزدیک شدن صبح و بیداری خفتگان غافل کرده و کم کم پرده راز پوش شب بکنار می‌رود

ولی آنان همچنان بی‌خبرانه بخیمه‌شب بازی خود سرگرمند .

در اینجا است که ناگهان از میان خفتگان یک یا چند نفر زودتر از دیگران از خواب برخاسته دزدان را که همچنان سرگرم جمع کردن کالا و پر کردن کیسه‌ها هستند می‌بینند .

هراسان برخاسته و فریاد برمی‌آورند ، تاد دیگران را نیز از خواب گران بیدار کنند فریادمیکنند که لااقل اموال بتاراج رفته خود و دیگران را تا اندازه ای از چنگ دزدان بدر آورند و یا دیگر نگذارند که چیزی بتاراج رود .

فریاد این فریاد کنندگان با فشار چنگالهای خونریز این دزدان آبرومند ، در گلویشان محبوس و سرگردان میشود ، ولی در همین حال اولین فریاد آنان درد خمه‌های تاریک و زوایای بی‌روح اجتماع طنین انداخته و علی‌رغم کوشش و فعالیت آنان در محو کردن این فریادها ، ملت از خواب سنگین

خودجسته و اتمام سراسیمه و شرمسار ناچار پا برار میگذارد و میدان را خالی میکند .

آنان که زودتر از همه از خواب برخاستند و استعمارگران را در فعالیت‌های جنایت بارانه خود نا کام و رسوا کردند . مردان نهضتها و قیامهای ملی بودند

رزمندگان آسمانی

آنان با فریادهای بشر دوستانه در هر يك از قرازیهای زمان ظهور کرده و ملت‌های خفته و استعمار زده را از چنگال خون آشام امپراطوران و امپریالیسم نجات می‌بخشند، ولی . . .

ولی گاهی مردانی درسراشویی تاریخ‌وزندگانی توده‌های بخواب رفته پیدا میشوند که هرگز بخواب نرفته و نمیروند . و قبل از آنکه استعمارگران این دزدان شرافتمند و بی جرم و گناه ! نقشه اسارت و محکومیت توده‌ها را طرح کنند ، آنان ملت‌ها را بیداری و مبارزه علیه استعمارچیان دعوت میکنند . آنان ملت‌ها را بانسان دادن قوانین و سیستم‌های آزادی ببخش بازادگی و حریت همیشگی میخوانند و هر گونه افتخارات موهوم طبقاتی و اشراف‌منشی‌های بشر ساخته را بزوال و نیستی سخت محکوم می‌کنند .

اینان پیهمبران و سیراب شدگان سر چشمه و حینند .

* * *

ابراهیم‌ها، موسی‌ها، محمد‌ها بپاخواستند و بیدریغ با فریادهای بشر دوستانه خود خواب نوشین امپراطوران زورگو و بت پرستان بدبخت را ناگوار کردند . خفتگان حاضر نبودند ؛ آواز حیات بخش این رهبران آزادی و سمدات را که بگوش آنان ناهنجار و خواب‌کش بود بشنوند .

ولی مردان آسمانی و فرستادگان الهی کار خود را کرده و اوج

خروشان ضد استعماری و امپریالیسم را در افکار توده‌ها برانگیزند

نبرد خونین در قلعه تاریخ

حسین بن علی (ع) درست‌دورسراشیبی انحطاط و بخراب‌رفتن توده‌های اسلامی
قیام نمود .

و با اینکه این نهضت و قیام خود را در تاریخ‌ترین و سراسیب‌ترین دوره‌های
تاریخ زندگی ملت‌های اسلامی انجام داد ؛ ولی میدان و صحنه پیکار و فعالیت و
سطح نهضت عملی و فکری خود را با اندازه‌ای اوج داد که بلندترین و بافرازترین
ادوار تاریخ بشریت هم بدان نرسیده و نمیرسد .

حسین بن علی (ع) اینکار را کرد و افاق نهضت خود را بر مرتفع‌ترین
قلعه‌های زمان استوار ساخت تا چشم اندازه‌ها از آن‌ها دورترین نقطه‌های تاریخ
قرار گیرد .

او نخواست مکتب خود را در پرده‌های ضخیم زمان بپیچاند .
او خواست تمام انسان‌ها در هر کجا و هر زمان باشند زندگی را از او
یاد گیرند .

او نخواست قیام خود را منحصر بر ضد یزید زمان خود کند بلکه خواست
بگوید که باید در برابر هر ستمکاری اینچنین قیام نمود و اصولا زندگی
یعنی این .

حسین (ع) اینکار را کرد تا مکتب نهضت و قیامش از گرد و غبار
فراموشی زمان مضمون ماند و تندباد تاریخ روز بروز سیمای درخشان او و
رزمندگان مکتبش را گردگیری کرده و شفاف‌تر نماید .

حسین (ع) میدانست اگر چه کشته شود ولی صدای حیاتبخش او و
یارانش در میان امواج زمان گردش کرده و الهام بخش فرزندان هر قرن و
عصری خواهد شد .